

Comparing Emotional Intelligence and Assertiveness in Normal and Blind Boys and Girls

مقایسه‌ی هوش هیجانی و جرات‌ورزی در دانش‌آموزان دختر و پسر نابینا و عادی

Hosainian, Setareh; Emamipur, Souzan

ستاره حسینیان^۱ و سوزان امامی‌پور^۲

The present study is a comparative study of emotional intelligence and assertiveness in normal and blind high school students (boys and girls) in Tehran city. The sample of the study consisted of 180 normal and 60 blind students (girls and boys). Their emotional intelligence and assertiveness were evaluated by Bar-On emotional intelligence questionnaire and Gambril and Richi assertiveness questionnaire respectively. The obtained results of data analysis using the analysis of variance, MANOVA and Multiple regression shows that emotional intelligence in normal students was higher than blind students; emotional self awareness, assertiveness, self actualization, independence, interpersonal relations, problem solving, Flexibility, stress management, impulse control and happiness were lower in blind students and blind students were less assertive than normal students

چکیده: پژوهش حاضر، به منظور مقایسه هوش هیجانی و جرات‌ورزی در دانش‌آموزان دختر و پسر نابینا و عادی مقطع متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ صورت گرفته است. بدین منظور ۱۸۰ دانش‌آموز دختر و پسر (۱۲۰ دانش‌آموز عادی و ۶۰ دانش‌آموز نابینا) به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های هوش هیجانی «بار-ان» و جرات‌ورزی گمبریل و ریچی پاسخ دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین هوش هیجانی کلی دانش‌آموزان دختر و پسر عادی و نابینا تفاوت وجود دارد، به طوری که هوش هیجانی دانش‌آموزان عادی بیشتر از دانش‌آموزان نابینا است و نمرات دانش‌آموزان نابینا در مولفه‌های خود آگاهی هیجانی، ابراز وجود، خود شکوفایی، استقلال، روابط بین فردی، حل مساله، انعطاف‌پذیری، تحمل استرس، کنترل تکانه و شادکامی پایین‌تر از دانش‌آموزان عادی است.

مقدمه

هوش هیجانی، شکلی از هوش اجتماعی و پیش‌بینی‌کننده مناسبی در کارآمدی کلی و کارآمدی در حیطه‌های خاص نظیر عملکرد شغلی است و توانایی کنترل احساسات و هیجانات

^۱ - کارشناس ارشد کودکان استثنایی

^۲ - Ph.D استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

خود و دیگران، تمایز میان آنها و استفاده از این اطلاعات برای هدایت تفکر و عمل فرد را دربر می‌گیرد (سالووی و مایر^۱، ۱۹۹۰). هوش هیجانی با شناخت فرد از خودش و دیگران، ارتباط با دیگران، سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواست‌های اجتماعی لازم است، مرتبط است. هوش هیجانی، توانمندی تاکتیکی^۲ در عملکرد فردی است (بار-ان، ۲۰۰۰). هوش هیجانی تاثیر بسیار زیادی بر شادی و رضایت افراد دارد. کسانی که هوش هیجانی خود را به کار می‌گیرند و با محیط اطراف خود سازگاری بیشتری دارند، اعتماد به نفس بالایی نشان می‌دهند و از توانایی خود آگاهند. رابطه مستقیم بین هوش هیجانی و زندگی خوب و سالم نشان می‌دهد که توجه به هیجان‌ها، آگاه‌بودن و آگاه-ماندن از آنها و استفاده از آنها در راهنمایی کردن رفتار، اهمیت زیادی دارد (برادبری، گریوز ۲۰۰۵).

افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، از توانش‌های اجتماعی موثرتری نیز برخوردارند و به واسطه‌ی آن روابط بین فردی مطلوبی را ایجاد کرده، می‌توانند هیجان‌ات خود را درک و ابراز کنند و توانایی درک هیجان‌های دیگران را نیز داشته باشند (سالووی و مایر، ۱۹۹۰). با توجه به اینکه مهارت‌های هیجانی و اجتماعی در ارتباط با دیگران آموخته می‌شوند و لازمه کسب بسیاری از این مهارت‌ها داشتن قدرت بینایی است، در نتیجه افراد نابینا به واسطه‌ی نقص بینایی خود، از به دست آوردن چنین تجربیاتی محروم هستند. این تجربیات می‌توانند تاثیر زیادی بر بالیدگی هیجانی و تعامل اجتماعی افراد نابینا داشته باشند (قمرانی و جعفری، ۱۳۸۳).

تروسترو برومبینگ^۳ (۱۹۹۲)، طی پژوهشی درباره‌ی رشد اجتماعی و هیجانی نوزادان نابینا، نشان دادند که کودکان نابینا یا کم‌بینا محدودیت‌های زیادی در ابراز ژست‌های چهره‌ای دارند و به ندرت برای برقراری تماس و یا برآوردن تقاضای ساده‌ی دیگران تلاش می‌کنند. «بار-ان» (۱۹۹۷)، مولفه‌های هوش هیجانی را شامل جرات‌ورزی، حرمت نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، رابطه‌ی بین فردی، مسیولیت‌پذیری اجتماعی،

1. Salovey & Mayer
2. Tactical Functioning
3. Troster & Brombring

حل مساله، واقعیت‌سنجی، انعطاف‌پذیری، تحمل فشار، کنترل تکانه، شادکامی و خوش‌بینی می‌داند. بنا به نظر «بار-ان»، جرات‌ورزی^۱ یکی از مهارت‌های درون‌فردی است و یکی از مولفه‌های مهم هوش هیجانی را تشکیل می‌دهد. رفتار جرات‌ورزانه، یک اظهار بیان مناسب هیجان‌ات و احساسات نسبت به دیگری می‌باشد. وجود چنین رفتاری موجب می‌شود که فرد احساسات و هیجان‌ات خود را در برابر رفتار دیگران که می‌تواند طیفی از تحقیر تا تحریک را داشته باشد، بدون ترس و به شکل صحیح ابراز کند. پاسخ‌های فرد حتی در برابر عوامل تحریک‌کننده با بار هیجانی کمتری تظاهر خواهند یافت.

کسانی که قادر نیستند از مهارت‌های هوش هیجانی خود استفاده کنند، به احتمال زیاد، برای مدیریت روحیه و خلق خود از روش‌های دیگری که کمتر اثربخشی دارند، بهره می‌گیرند. احتمال دارد که آنها دو برابر بیشتر از دیگران مضطرب، افسرده یا معتاد شوند و حتی افکار خودکشی به سرشان بزند (برادبری، گریوز ۲۰۰۵، ترجمه گنجی ۱۳۸۴). با توجه به اهمیت هوش هیجانی در سازگاری فردی و اجتماعی، به نظر می‌رسد افرادی که دچار نارسایی بینایی می‌باشند، مشکلاتی در ارتباط با سازگاری فردی و اجتماعی داشته باشند. چنین مشکلاتی ممکن است بر هوش هیجانی و مولفه‌های آن در افراد نابینا موثر باشند و موجب تفاوت هوش هیجانی در افراد نابینا و بینا گردند. به طور کلی مساله‌ی اساسی پژوهش حاضر این است که آیا افراد نابینا و عادی از نظر هوش هیجانی و جرات‌ورزی متفاوت هستند؟ و آیا بین هوش هیجانی و جرات‌ورزی رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

جامعه‌ی آماری: جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر عادی و نابینا است که در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ در مدارس آموزش و پرورش دولتی عادی و استثنایی شهر تهران در مقطع متوسطه مشغول به تحصیل می‌باشند. نمونه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل ۱۸۰ دانش‌آموز دختر و پسر (۱۲۰ دانش‌آموز عادی و ۶۰ دانش‌آموز

استثنایی) مقطع متوسطه مدارس دولتی و استثنایی (نابینایان) تهران در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ است. که به صورت نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری: ابزار اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه‌ی هوش هیجانی «بار-ان» (EQ-I) و پرسشنامه جرات‌ورزی گمبریل و ریچی^۱ است.

پرسشنامه هوش هیجانی: این پرسشنامه شامل ۱۳۳ سوال کوتاه است و از یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از «هرگز درمورد من صادق نیست» تا «همیشه درمورد من صادق است» تشکیل شده است و شامل ۵ مقیاس ترکیبی و ۱۵ خرده مقیاس به شرح زیر است:

- **EQ درون‌فردی:** شامل خرده مقیاس‌های حرمت نفس، آگاهی هیجانی، ابراز وجود و خودشکوفایی.
- **EQ بین‌فردی:** شامل خرده مقیاس‌های همدلی، مسیولیت‌پذیری اجتماعی و روابط بین فردی.
- **EQ مقابله با فشار:** شامل خرده مقیاس‌های تحمل فشار و کنترل تکانه.
- **EQ سازگاری:** شامل خرده مقیاس‌های واقعیت‌آزمایی، انعطاف‌پذیری و حل مساله.
- **EQ خلق کلی:** شامل خرده مقیاس‌های خوش‌بینی و شادکامی.

لشکری (۱۳۸۰)، در پژوهشی، پایایی و روایی، آزمون هوش هیجانی را در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران مورد بررسی قرارداد و ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ را برای پایایی کل پرسش‌نامه به‌دست آورد که بیانگر پایایی بالای پرسشنامه است. وی برای بررسی روایی سازه آزمون از روش تحلیل مولفه‌های اصلی استفاده کرد و ۹ عامل به نام-های انگیزه، پیشرفت، همدلی، عزت نفس، ترغیب دیگران، همکاری، کار گروهی، قبول مسیولیت اجتماعی، وظیفه‌شناسی و توانایی ارتباط بین فردی را استخراج کرد. در تحقیقی دیگر دژکام (۱۳۸۱)، پایایی پرسشنامه «بار-آن» را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۲ به‌دست آورده است.

² Gambрил & Richey

پرسشنامه ی جرات‌ورزی گمبریل و ریچی: پرسشنامه جرات‌ورزی براساس آزمون جرات‌ورزی گمبریل و ریچی (۱۹۷۵)، تهیه‌شده و دارای ۴۰ ماده ی اصلی می‌باشد به‌دلیل عدم تطابق با فرهنگ ایرانی، در برخی مواد آن تغییراتی داده شده‌است. هر ماده ی آزمون موقعیتی را که مستلزم رفتار جرات‌ورزی است، نشان می‌دهد. از آزمودنی خواسته می‌شود که برای پاسخ دادن به سوالات، بر حسب یک مقیاس درجه‌بندی ۵ گزینه‌ای به دو صورت احتمال بروز رفتار و درجه ناراحتی عمل نماید. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر، آزمودنیها فقط بر اساس دستورالعمل احتمال بروز رفتار به سوالات پاسخ دادند. ضریب پایایی این آزمون توسط گمبریل و ریچی برابر با ۰/۸۱ گزارش شده‌است. از نظر پایایی، همبستگی زیادی بین ماده‌های این آزمون با یکدیگر وجود دارد. ضریب پایایی ماده‌های مختلف آزمون اصلی بین ۰/۳۹ تا ۰/۷۰ گزارش شده‌است. همچنین، همبستگی نمره‌های آزمون با نتایج ارزیابی افرادی که ایفای نقش این افراد را مشاهده کرده بودند، ۰/۴۶ بوده‌است (بهرامی، ۱۳۷۵).

شیوه ی اجرا: به منظور اجرای پرسشنامه‌ها روی گروه نابینا، پرسشنامه‌ها به خط بریل برگردانده شدند و به‌طور انفرادی در اختیار دانش آموزان نابینا قرار گرفتند. بعد از تکمیل پرسشنامه توسط دانش آموزان، پاسخنامه‌ها با کمک یکی از معلمان آشنا به خط بریل به خط نوشتاری عادی برگردانده شد. درمورد دانش آموزان عادی اجرای پرسشنامه‌ها به صورت گروهی بود. یعنی در هر مدرسه دانش آموزان سه پایه به شکل گروهی (به تفکیک پایه ی اول، دوم و سوم) در کلاس جمع می‌شدند و به سوالات در برگه‌های پاسخنامه ی مربوط به خود پاسخ می‌دادند.

یافته‌های پژوهش

به منظور مقایسه هوش هیجانی کلی دانش آموزان نابینا و عادی دختر و پسر، از تحلیل واریانس دو راهه استفاده شد (جدول شماره ی ۱). با توجه به جدول فوق، ملاحظه می‌شود که F محاسبه‌شده (۰/۷۳) در مقایسه میانگین نمرات هوش هیجانی کلی براساس عامل جنسیت معنادار نیست. بنابراین بین دختران و پسران از نظر هوش هیجانی کلی، تفاوت

معنادار وجود ندارد. درحالی‌که F محاسبه‌شده (۴۲/۶۶) به منظور مقایسه میانگین نمرات هوش هیجانی کلی براساس عامل معلولیت بینایی معنادار است. یعنی هوش هیجانی کلی دانش‌آموزان عادی بیشتر از دانش‌آموزان نابیناست. از طرف دیگر اثر تعامل بین عامل جنسیت و معلولیت بینایی نیز با توجه به F محاسبه‌شده (۷/۲۱) معنادار است که با توجه به میانگین‌ها ملاحظه می‌شود، هوش هیجانی کلی دختران عادی بیشتر از پسران عادی است، اما هوش هیجانی دختران نابینا کمتر از پسران نابینا است.

جدول شماره ۱: خلاصه نتایج تحلیل واریانس دو راهه به منظور مقایسه ی هوش هیجانی

کلی براساس متغیرهای مستقل معلولیت بینایی و جنسیت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
عامل جنسیت	۱۲۶	۱	۱۲۶	۰/۱۱۷	۰/۷۳۳
عامل معلولیت بینایی	۴۶۰۵۰/۴۴	۱	۴۶۰۵۰/۴۴	۴۲/۶۶	۰/۰۰۱
تعامل جنسیت و معلولیت	۷۷۹/۰۱	۱	۷۷۹/۰۱	۷/۲۱	۰/۰۰۸
خطا	۱۹۰۰۱۰/۶۴	۱۷۶	۱۰۷۹/۶۱		
جمع کل	۲۴۵۲۴۷/۹۸	۱۷۹			

به منظور بررسی مولفه‌های هوش هیجانی دانش‌آموزان نابینا و عادی دختر و پسر، از روش تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA)، استفاده شد. با توجه به معنی‌داری آزمون‌های MANOVA، به منظور بررسی معنی‌داری تفاوت متغیرهای مستقل معلولیت بینایی و جنسیت و تعامل این متغیرها بر هر یک از مولفه‌های هوش هیجانی (متغیرهای وابسته)، تحلیل واریانس تک متغیری به عمل آمد. با توجه به میانگین‌ها، میانگین نمرات پسران در مولفه‌های خودآگاهی هیجانی، استقلال و خوش‌بینی، بیشتر از دختران و میانگین نمرات دختران در مولفه‌های ابراز وجود و انعطاف‌پذیری، بیشتر از پسران است. همچنین F محاسبه شده، به منظور مقایسه ی میانگین نمرات مولفه‌های هوش هیجانی، براساس عامل معلولیت بینایی نشان می‌دهد که میانگین نمرات دانش‌آموزان عادی بالاتر از دانش‌آموزان نابینا است. از سوی دیگر F محاسبه‌شده به منظور مقایسه میانگین نمرات مولفه‌های هوش هیجانی براساس کنش متقابل بین عامل جنسیت و معلولیت بینایی حاکی

از آن است که دختران عادی در مولفه‌های ابراز وجود، استقلال، همدلی، روابط بین فردی و حل مساله عملکرد بهتری نسبت به پسران عادی دارند، اما به‌طور معکوس دختران نابینا در مولفه‌های فوق‌الذکر، عملکرد پایین‌تری نسبت به پسران نابینا دارند. به منظور مقایسه‌ی میزان جرات‌ورزی دانش‌آموزان نابینا و عادی دختر و پسر از روش تحلیل واریانس دو راهه استفاده به‌عمل آمد (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: خلاصه نتایج تحلیل واریانس دو راهه به منظور مقایسه جرات‌ورزی

براساس متغیرهای مستقل معلولیت بینایی و جنسیت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
عامل جنسیت	۳۸۴/۴۳	۱	۳۸۴/۴۳	۰/۶۴	۰/۴۲۴
عامل معلولیت بینایی	۲۵۱۷۳/۰۵	۱	۲۵۱۷۳/۰۵	۴۲/۰۸	۰/۰۰۱
تعامل جنسیت و معلولیت بینایی	۴۱۵/۳۵	۱	۴۱۵/۳۵	۰/۶۹	۰/۴۰۶
خطا	۱۰۵۲۹۰/۳۷	۱۷۶	۵۹۸/۲۴		
جمع کل	۱۳۱۳۸۸/۸۰	۱۷۹			

با توجه به جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود که F محاسبه‌شده (۰/۶۴)، به منظور مقایسه‌ی میانگین نمرات جرات‌ورزی، براساس عامل جنسیت معنادار نیست. بنابراین بین دختران و پسران از نظر میزان جرات‌ورزی، تفاوت معنادار وجود ندارد. اما F محاسبه‌شده (۴۲/۰۸) به منظور مقایسه‌ی میانگین نمرات جرات‌ورزی براساس عامل معلولیت بینایی معنادار است به طوری که با توجه به میانگین‌ها ملاحظه می‌شود جرات‌ورزی دانش‌آموزان نابینا بیشتر از دانش‌آموزان نابینا است. F محاسبه‌شده (۰/۶۹)، به منظور بررسی تعامل معلولیت و جنسیت بر نمرات جرات‌ورزی، معنادار نیست.

برای بررسی رابطه هوش هیجانی کلی و میزان جرات‌ورزی دانش‌آموزان نابینا و عادی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده به‌عمل آمد. نتایج نشان می‌دهد که ضرایب همبستگی محاسبه‌شده در دانش‌آموزان نابینا (۰/۸۳)، در دانش‌آموزان عادی (۰/۹۲) و در

کل دانش آموزان (۰/۹۳) است که همگی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنا دارند. همچنین با محاسبه ضرایب تعیین، ملاحظه می‌شود که در دانش آموزان نابینا (۶۸/۸۹ درصد) در دانش آموزان عادی (۸۴/۶۴ درصد) و در کل دانش آموزان (۸۶/۴۹ درصد) از واریانس نمرات جرات‌ورزی، ناشی از نمرات هوش هیجانی کلی آنهاست.

به منظور بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی کلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نابینا و عادی از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. نتایج نشان دادند که ضرایب همبستگی محاسبه‌شده در دانش آموزان نابینا (۰/۵۶)، در دانش آموزان عادی (۰/۵۸) و در کل دانش آموزان (۰/۵۷)، است که همگی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنا دارند. با محاسبه‌ی ضرایب تعیین ملاحظه می‌شود که در دانش آموزان نابینا (۳۱/۳۶ درصد) و در دانش آموزان عادی (۳۳/۶۴ درصد) و در کل دانش آموزان (۳۲/۴۹ درصد) از واریانس نمرات پیشرفت تحصیلی، ناشی از نمرات هوش هیجانی کلی آنهاست.

برای بررسی رابطه سطح جرات‌ورزی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نابینا و عادی از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم، نتایج نشان می‌دهند که ضرایب همبستگی محاسبه‌شده در دانش آموزان نابینا (۰/۴۲)، و در دانش آموزان عادی (۰/۳۹) و در کل دانش آموزان (۰/۴۰) است که همگی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنا دار است. بنابراین رابطه بین جرات‌ورزی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نابینا و عادی تایید می‌شود. همچنین با محاسبه ضرایب تعیین، ملاحظه می‌شود که در دانش آموزان نابینا (۱۷/۶۴ درصد)، در دانش آموزان عادی (۱۵/۲۱ درصد) و در کل دانش آموزان (۱۶ درصد) از واریانس نمرات پیشرفت تحصیلی، ناشی از نمرات هوش هیجانی کلی آنهاست.

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشانگر آن بود که معلولیت بینایی می‌تواند عامل موثری در هوش هیجانی باشد، به طوری که دانش آموزان نابینا، دارای هوش هیجانی پایین‌تری نسبت به همسالان عادی خود هستند. قابل توجه است که معلولیت بینایی،

برخی از مولفه‌های هوش هیجانی را بیشتر تحت تاثیر قرار می‌دهد، به طوری که دانش آموزان نابینا در مولفه‌های خودآگاهی هیجانی ابراز وجود، خود شکوفایی، استقلال، روابط بین فردی، حل مساله، انعطاف‌پذیری، تحمل استرس، کنترل تکانه و شادکامی نمرات پایین‌تری نسبت به دانش آموزان عادی کسب کردند. این یافته با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های پزشکی (۱۳۸۳)، در رابطه با تفاوت هوش هیجانی در دانش آموزان نابینا و عادی، ایرانمنش (۱۳۸۳)، در رابطه با پایین‌بودن هوش هیجانی در کودکان با معلولیت شنیداری، همخوانی دارد. به طور کلی معلولیت‌های حسی به ویژه نقایص بینایی، می‌توانند در رشد مهارت‌های اجتماعی به ویژه مهارت‌هایی که لازمه‌ی آنها داشتن قدرت بینایی است، موثر باشند. تروستر و برومبیرینگ^۱ (۱۹۹۲) نیز نشان دادند که کودکان نابینا به واسطه‌ی نقایص بینایی خود در ابراز ژست‌های چهره‌ای خود دچار محدودیت هستند و برای برقراری تماس حرکتی و برآوردن تقاضاهای دیگران تلاش کمتری می‌کنند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که معلولیت بینایی به طور یکسان دختران و پسران را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد و بر خلاف عدم تفاوت در دانش آموزان عادی، هوش هیجانی دختران نابینا، کمتر از پسران است. یافته‌های دیگر پژوهش نشان دادند که دانش آموزان عادی نسبت به دانش آموزان نابینا از میزان جرات‌ورزی بالاتری برخوردار بودند. نتایج حاصل از پژوهش نشانگر عدم تفاوت جرات‌ورزی در دانش آموزان دختر و پسر می‌باشد. با توجه به اینکه بنا به نظر آلبرتی و ایمونز (۱۹۸۳)، جرات‌ورزی یک مفهوم کاملاً فرهنگی است، شاید عدم تفاوت بین میزان جرات‌ورزی در دختران و پسران ایرانی، نشانگر عدم اهمیتی باشد که در فرهنگ‌های آسیایی و شرقی به مفهوم جرات‌ورزی داده می‌شود. نتایج حاصل از پژوهش، با نتایج تحقیق مکتبی (۱۳۸۴)، در رابطه با همبستگی مثبت بین جرات‌ورزی و هوش هیجانی همخوانی دارد. نتایج حاصل از پژوهش با نتایج پژوهش‌های

^۱ Troster & Brambring

متعددی نظیر لیف (۲۰۰۳)، زارع (۱۳۸۰) و حیدری و همکاران (۱۳۸۴)، مبنی بر وجود رابطه مثبت بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی همخوانی دارد.

منابع

- البرتی، رابرت، ایمونز، رایک (۱۹۸۳). *روان‌شناسی ابراز وجود*. ترجمه ی: مهدی قراچه داغی (۱۳۷۴). تهران: انتشارات علمی چاپ دوم.
- امالی، شهره (۱۳۷۳). بررسی و مقایسه ی میزان کارآیی روش جرات آموزی توام با بازسازی شناختی بر روی برخی از نوجوانان مضطرب اجتماعی *پایان نامه ی کارشناسی ارشد*. انستیتو روانپزشکی.
- ایرانمنش، مطهره (۱۳۸۲). مقایسه ی هوش هیجانی دختران عادی و ناشنوا مقطع دبیرستان شهر تهران. *پایان نامه ی کارشناسی ارشد*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- برادبری، تراویس و گریوز، جین (۲۰۰۵). *هوش هیجانی، مهارت‌ها و آزمون‌ها*. ترجمه ی مهدی گنجی. تهران: ساوالان (۱۳۸۴).
- بهرامی، فاطمه (۱۳۷۵). تاثیر روش‌های جرات‌ورزی به دانش آموزان کم‌جرات دختر دبیرستانی با شیوه‌های مشاوره ی گروهی و فردی. *پایان نامه ی کارشناسی ارشد چاپ نشده*. دانشگاه علامه طباطبایی.
- پزشکی، بهناز (۱۳۷۳). مقایسه ی هوش هیجانی در دختران کم‌بینا و عادی شهر تهران. *پایان نامه ی کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه ی طباطبایی .
- حیدری، مریم و همکاران (۱۳۸۴). رابطه ی بین هوش هیجانی، فراشناخت، سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه همدان. *مجموعه مقالات سومین بهداشت روانی دانشجویان*. دانشگاه علم و صنعت.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۱). *هنجاریابی پرسشنامه ی هوش بهر هیجانی «بار- آن» در بین دانشجویان دانشگاه- های تهران و بررسی ساختار عاملی آن*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- دژکام، نجمه (۱۳۸۱). بررسی رابطه ی عزت‌نفس و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی *پایان نامه ی کارشناسی ارشد* دانشگاه آزاد اسلامی.
- زارع، محسن (۱۳۸۰). سهم هوش هیجانی و هوش عمومی در موفقیت تحصیلی دانش آموزان سال سوم دبیرستان- های شهر شیراز. *پایان نامه ی کارشناسی ارشد*. دانشگاه علوم پزشکی ایران
- قمرانی، امیر. جعفری، حمیدرضا (۱۳۸۳). *درآمدی بر هوش هیجانی و نابینایی*. مجله ی تعلیم و تربیت استثنایی. شماره ی ۳۱ ص ۲۵ تا ۳۰.

- کاظمی، فرنگیس (۱۳۷۸). تاثیر آموزش جرات‌ورزی در میان جرات‌ورزی و عزت نفس دانش‌آموزان کم-جرات پسر در ناحیه ۱ قم. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی
- لشکری، کبری (۱۳۸۱). سنجش و اندازه‌گیری و تهیه آزمون هوش هیجانی و بررسی اعتبار و روایی و نرم‌یابی آن بر روی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- مکتبی، غلام حسین (۱۳۸۴). بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و اضطراب اجتماعی و جرات‌ورزی دانشجویان دانشگاه شهید چمران.

- Bar-on, R. (1997). *The emotional quotient inventory (EQ-I); A measure of emotional intelligence*. Toronto, Canada: multhi health system.
- Bar-on, R. (2000) *Emotional and social intelligence in sights from the emotional quotint inventory*. 363-383.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence, what can matter than IQ*. New York, Ban tam Books.
- Goleman, D; Gibse. (1995). *Emotional intelligence*, New York Bantam.
- Gambril, E.D; Richey, C.A. (1975). Assertion test, *Behavior therapy*,. 6. 550-567
- Liff. S, B. (2003). Social and Emotional Intelligence: Applications for Developmental Education. *Journal of Developmental Education*. 6. 550-567
- Mayer, J.D; Salovey, P. (1999). Emotional intelligence and the identification of emotion intelligence. *Marape abstract*. Vol, 2:89-114.
- Salovey, P; Mayer, J.D. (1990). *Emotional intelligence, Imagination, Cognition and personality*. New York, Baywood.
- Troster, H; Brambring, M. (1992). Early social emotion development in blind in Fants. *Journal of child care, Health and development*, Vol.20. No. 148 -221.